


Evaluating the legal Challenges of Management of the Mosques in Iran

Javad Mahmoudi , Assistant professor of Public Law, Faculty of Literature and Human science, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. Email: Mahmoudi.javad@Sku.ac.ir

Detailed abstract

Mosques have always been considered as the main centers of religious gatherings of Muslims and a part of their biological identity. Despite the many researches in this regard, the legal analysis of the challenges of mosques has not been done as it should and maybe not.

Statement of the research problem: In terms of stating the problem, it is worth saying that mosques have been very important as an influential reference on the intellectual direction of the society as well as a powerful player in the political and social arenas in the previous many decades. In the upcoming research, we will focus on how their management challenges are; With the explanation that the internal and external administration of mosques and the type and level of government supervision over them are studied in the light of the laws and regulations and approvals of official institutions as well as some opinions and current judicial processes. According to the author, the way mosques are managed has a direct effect on social credibility and, accordingly, the level of public approval of them. In addition to that, these questions are raised that which of the governmental institutions are influential in which areas of the internal or external management of mosques? What are the practical challenges of this style of interaction and management? What have been the legal developments in this regard and how are those developments evaluated from the perspective of freedom of religion in the upstream documents?

Research background: Ongaro and Tantardini in “Religion and Public Administration” (2023) addressed the general issues regarding the interaction of religious institutions in America with the official administration of that country. Sedaghati and Faqih Habibi (2021) in “Administrative organization of the mosque and cement standards in Iran’s legal system: contrast or symmetry?” have raised the possibility of using foundation people’s organizations in mosques. Abun-Noor (2018), in a series of articles entitled “How should mosque administration be?”, has stated the administrative standards and internal management of mosques in the light of the requirements of traditional jurisprudence. Keyvan Sadaghati (2013) in “The Place of the Mosque in the Legal System of Iran” tried to clarify the legal identity of the mosque by relying on some judicial opinions. Javan Araštah (2014) in “Mosque and its management: issues and challenges”, has expressed appropriate models for regulating relations between mosques and official institutions. It is noted that none of the aforementioned researches focused on the legal developments related to the internal and external management of mosques in Iran, and



therefore, the present research has no background; Because in terms of the major achievements of the above-mentioned researches, he has critically evaluated them in terms of their composition and function by stating the authorities and related governmental and governmental institutions.

Research method: The upcoming research is in the form of a library study through a descriptive and analytical review of the legal rules governing mosques, including international documents, laws, regulations, judicial procedures and Some legal opinions have been implemented.

In addition to expressing the legal identity of mosques, this analysis can evaluate and diagnose practical issues related to their practical function and their supervision. In the upcoming research, while re-reading the executive and internal structure of mosques, the method and level of external supervision on them by government institutions will be critically evaluated. This research, using a library method and relying on domestic and foreign legal documents as well as relevant judicial procedures, tries to find clear horizons of the challenges of mosques in the light of descriptive-analytical study in this regard, along with providing practical solutions. From the total of legal developments in this regard, it appears that mosques have turned from traditional centers and generally under the management of people, authorities and communities subject to the supervision of the government.

Therefore, in the process of establishing mosques and appointing the members of the board of trustees, Khadim, imam and other internal trustees, as well as in the process of monitoring their religious-social functions, the role of the government has gradually increased and between this level of management A significant relationship has been established between the government and the government on mosques and the trend of youth aversion to religion and the weakening of the social role of mosques. Therefore, a change in the type of relationship between mosques and the government and state can recreate a part of their identity and social role.

Research findings: Although it is necessary to monitor mosques by government institutions to prevent some religious deviations and to deal with religious beliefs and especially superstitions and intellectual superficialities, to promote the social-cultural function of those centers and to strengthen their structures and capacities, but the excesses of those supervisions It can strengthen the governmental process and the governmentalization of mosques, and their popular identity is overshadowed by decisions. and actions of authorities and official institutions. This phenomenon, in the long run, and especially with the establishment of intellectual-propaganda monopoly in mosques and the targeted selection of its internal factors, can fuel the avoidance of mosques and diminish or destroy the social-intellectual effects of this important institution of the Islamic society. Considering the composition and powers of the relevant government institutions, the exclusive management of mosques in Iran in their construction, management and operation has become an undeniable phenomenon, which has a clear connection with the religious aversion of the youth.

Key words: Establishment, Government, State, Mosques, Supervision.

ارزیابی چالش‌های حقوقی اداره مساجد در ایران

جواد محمودی^۱

چکیده

مساجد، همواره به‌مثابه مراکز اصلی تجمعات دینی مسلمانان و بخشی از هویت زیستی آنان، مطرح بوده‌اند. باوجود پژوهش‌های فراوان در این باره، تحلیل حقوقی چالش‌های مساجد، آن‌طور که باید و شاید صورت نگرفته است. این تحلیل می‌تواند ضمن بیان هویت حقوقی مساجد، مسائل عملی مرتبط با کارکرد عملی و نیز نظارت بر آن‌ها را مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی، قرار دهد. در پژوهش پیش رو، ضمن بازخوانی ساختار اجرایی و درونی مساجد، شیوه و سطح نظارت بیرونی بر آن‌ها از سوی نهادهای دولتی و حکومتی، مورد ارزیابی انتقادی، قرار می‌گیرد. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و با تکیه بر اسناد حقوقی داخلی و خارجی و نیز رویه‌های قضایی مربوطه می‌کوشد که در پرتو مطالعه توصیفی-تحلیلی در این باره، افق‌های روشنی از چالش‌های مساجد را در کنار راهکارهای عملی، ارائه دهد. از مجموع تحولات حقوقی در این باره، چنین برمی‌آید که مساجد از مراکز سنتی و عموماً تحت مدیریت مردم و مراجع و جوامع مردمی به مؤسسه‌های مشمول نظارت دولت و حکومت، تبدیل شده‌اند. از این رو، در فرآیند تأسیس مساجد و تعیین اعضای هیئت‌امنا، خادم، امام جماعت و سایر متولیان درونی و نیز در روند نظارت بر کارکردهای دینی-اجتماعی آن‌ها نقش حکومت و دولت به‌تدریج، افزایش یافته و میان این سطح از مدیریت حکومتی و دولتی بر مساجد و روند دین‌گزینی جوانان و تضعیف نقش اجتماعی مساجد، رابطه معناداری برقرار شده است؛ بنابراین تغییر در نوع رابطه مساجد با حکومت و دولت می‌تواند بخشی از هویت و نقش اجتماعی آن‌ها را بازآفرینی کند.

واژگان کلیدی

تأسیس، حکومت، دولت، مساجد، نظارت.



مقدمه

مساجد در زیست اسلامی، همواره محلی برای انجام عبادت‌های دینی و به تبع آن، پرداختن به مشکلات جامعه اسلامی بوده‌اند. از این رو، پرداختن به کارکرد اصلی آن‌ها با آزادی‌های دینی مقرر در اسناد جهانی و نیز متون حقوقی بالادستی در سطح ملی، ارتباط تنگاتنگی دارد.

برای نخستین بار در اسناد حقوقی جهانی، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ «آزادی مذهب و اجرای مراسم دینی» را به مثابه حق بشری نقض‌ناپذیر به رسمیت شناخت^۱ و سپس در میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ بر آن حق، تأکید شد.^۲ در اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰ نیز، بدون اشاره به آزادی‌های مذهبی^۳ به حق شهروندان برای زندگی در فضایی معنوی و عاری از مفاسد اخلاقی پرداخته شده است.^۴

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با وجود تصریح به کلیات مربوط به پایه‌های ایمانی حکومت^۵ و وظایف دولت برای «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی»^۶ و نیز آزادی اقلیت‌های رسمی مندرج در آن قانون در خصوص انجام فرایض دینی مطابق مذهب خود^۷ به روشنی به مراکز دینی اسلامی؛ شامل بقاع متبرکه، مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و... و نحوه اداره آن‌ها و نسبت آن‌ها با دولت و حکومت پرداخته نشده است. به‌ویژه، تعامل قدرت رسمی با مساجد به مثابه کانون‌های اعمال و مراسم دینی و مذهبی مسلمانان - آن‌طور که باید و شاید - بیان نشده است.

۱. ماده ۱۸

۲. بند نخست ماده ۱۹

۳. اعلامیه حقوق بشر اسلامی، برخلاف دیگر اسناد بین‌المللی، حق تغییر دین یا نداشتن آن و انجام مطلق عبادات بر اساس تشخیص شهروند را مردود شمرده و اسلام را به عنوان تنها دین می‌شناسد. بر اساس ماده ۱۰ آن اعلامیه: «اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هرگونه اکراه نسبت به انسان یا بهره‌برداری از فقر یا جهل انسان جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد جایز نمی‌باشد».

۴. قسمت الف ماده ۱۷: «هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد و بیماری‌های اخلاقی، به‌گونه‌ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند. جامعه و دولت موظف‌اند این حق را برای او فراهم کنند.»

۵. بندهای نخست تا ششم اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۶. بند نخست اصل سوم همان

۷. اصل سیزدهم: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.»

از حیث بیان مسئله، درخور بیان است که مساجد به‌عنوان یک مرجع تأثیرگذار بر سمت‌وسوی فکری جامعه و نیز بازیگر قدرتمند عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در دهه‌های متممادی پیشین، از اهمیت فراوانی برخوردار بوده‌اند. در پژوهش پیش رو بر چگونگی چالش‌های مدیریتی آن‌ها تمرکز می‌شود؛ با این توضیح که نحوه اداره درونی و بیرونی مساجد و نوع و سطح نظارت حکومت و دولت بر آن‌ها در پرتو قوانین و مقررات و مصوبات نهادهای رسمی و نیز برخی برداشت‌ها و روندهای قضایی جاری، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از نظر نویسنده، شیوه اداره مساجد بر اعتبار اجتماعی و به تبع آن، میزان اقبال عمومی به آن‌ها، تأثیر مستقیم دارد.

علاوه بر آن، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که کدام‌یک از نهادهای حکومتی یا دولتی در چه عرصه‌هایی از مدیریت درونی یا بیرونی مساجد، تأثیرگذارند؟ چالش‌های عملی این سبک از تعامل و مدیریت چیست؟ تحولات حقوقی در این باره چه بوده‌اند و آن تحولات از منظر آزادی دین و مذهب در اسناد بالادستی چگونه ارزیابی می‌شوند؟ با لحاظ تمایز هدف و نوع پژوهش حاضر، از سایر پژوهش‌ها در حوزه‌های دیگر مرتبط با مساجد، پژوهشگران حقوقی و دادگاه‌های صلاحیت‌دار در رسیدگی به دعوی مطروحه له یا علیه مساجد می‌توانند از دستاوردهای پژوهش پیش رو، استفاده کنند. هدف از این پژوهش، بازخوانی تحلیلی و توصیفی تحولات حقوقی در این باره، شناسایی بازیگران داخلی و نیز نهادهای بیرونی تأثیرگذار بر مساجد و با لحاظ نقش ویژه‌ی آن بازیگران در این باره، ارائه راه‌حل‌های حقوقی برای کاهش آثار منفی دخالت مدیریتی آن‌ها به ذینفعان، سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران است.

پیشینه پژوهش

در زمینه مساجد، برخی پژوهش‌ها به عمل آمده است؛

انگارو و تانتاردینی (۲۰۲۳) در کتاب «دین و اداره عمومی» به مباحث کلی در مورد تعامل نهادهای دینی در آمریکا با مدیریت رسمی آن کشور پرداخته‌اند.^۱ صداقتی و فقیه حبیبی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «سازمان اداری مسجد و سنجه‌های سمن در نظام حقوقی ایران: تقابل یا تقارن؟» امکان استفاده از سازمان‌های مردم‌بنیاد در مساجد را مطرح کرده‌اند.^۲ آبون- نور (۲۰۱۸)، در سلسله مقالاتی با عنوان «اداره مسجد چگونه

1. Ongaro, Edoardo and Tantardini, Michele (2023). Religion and Public Administration, Edward Elgar Publication

۲. صداقتی، کیوان و حبیبی، علی فقیه (۱۴۰۰). سازمان اداری مسجد و سنجه‌های سمن در نظام حقوقی ایران، تقابل یا تقارن؟، فصلنامه حقوق عمومی، دوره ۲۳، شماره ۷۳.

باید باشد؟»، استناداردهای اداری و مدیریت داخلی مساجد را در پرتو الزامات فقه سنتی، بیان کرده است.^۱ کیوان صدقاتی (۱۳۹۲) در مقاله «جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران» کوشیده که هویت حقوقی مسجد را با تکیه بر برخی آرای قضایی تا حدی روشن سازد.^۲ جوان آراسته (۲۰۱۴) نیز در مقاله‌ای با عنوان «مسجد و مدیریت آن: مسائل و چالش‌ها» به بیان الگوهای متناسب برای تنظیم روابط میان مساجد و نهادهای رسمی پرداخته است.^۳

خاطر نشان می‌سازد که هیچ یک از پژوهش‌های یاد شده، متمرکز بر تحولات حقوقی ناظر به اداره درونی و بیرونی مساجد در ایران نبوده‌اند و از این رو، پژوهش حاضر در نوع خود، فاقد پیشینه است؛ زیرا با لحاظ دستاوردهای کلان پژوهش‌های پیش گفته، با بیان مراجع و نهادهای حکومتی و دولتی مرتبط، آن‌ها را از حیث ترکیب و کارکرد، مورد ارزیابی انتقادی قرار داده است.

روش پژوهش

پژوهش پیش رو در قالب مطالعه کتابخانه‌ای از رهگذر بررسی توصیفی و تحلیلی قواعد حقوقی ناظر بر مساجد شامل اسناد جهانی، قوانین، مقررات، رویه‌های قضایی و برخی نظریات حقوقی به عمل آمده است.

اسناد جهانی به عنوان بالاترین قواعد حقوقی مورد استناد همه کشورها؛ شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ و اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰ به عنوان مبانی حقوقی «حق بر عبادت» به مثابه مبنای تشکیل مساجد، مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در میان اسناد حقوقی داخلی نیز، علاوه بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات سال ۱۳۶۸، سلسله‌ای از قوانین عادی مربوط به کارکرد نهادهای رسمی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، نیروهای مسلح، دانشگاه‌ها و... مورد استناد قرار گرفته‌اند. هم‌چنین به مقررات مصوب دولت و نهادهای تحت نظر مقام رهبری؛ مانند سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز رسیدگی به امور مساجد، ارجاع داده شده که بیشتر، ناظر به اداره درونی و برونی مساجداند. آیین‌نامه ستاد پشتیبانی

1. Ali Attari Madani, Abun-Noor Rashid (2018). How should the Masjid administration be? At: <https://www.dawa-teislami.net/magazine/en/qualities-to-possess/masjid-administration>.

۲. صدقاتی، کیوان (۱۳۹۲)، جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران، روزنامه حمایت قضایی، شماره ۲۸۹۳.

3. Javan Arasteh, Hossein (2014). Masjid and its management: Issues and challenges, International Conference of Masjid, Zakat and Vaghf.

و هماهنگی امور مساجد کشور مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ و آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوب ۱۳۷۳، اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد مصوب ۱۳۶۸، طرح حمایت از مدیریت، احداث، تجهیز و نوسازی مساجد و نمازخانه‌های کشور مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی، آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور مصوب ۱۳۸۳/۱۰/۲۲، اساسنامه کانون مداحان مصوب ۱۳۸۸ نیز در زمره این مقررات هستند.

روش استفاده از اسناد حقوقی داخلی بدین صورت است که ترکیب نهادها و مراجع ناظر به نظارت بر تأسیس، کارکردها و نیز پشتیبانی فنی از ساخت و توسعه مساجد و اختیارات قانونی آن‌ها بیان و مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته و نهایتاً رابطه ترکیب و اختیارات آن نهادها با کارکرد استاندارد و نقش اجتماعی مساجد، بیان شده است.

یافته‌های پژوهش

اگرچه نظارت نهادهای دولتی و حکومتی بر مساجد برای پیشگیری از برخی انحرافات مذهبی و برخورد با کژاندیشی‌ها و به‌ویژه خرافات و سطحی‌گرایی‌های فکری تبلیغی در این باره و ارتقای کارکرد اجتماعی - فرهنگی آن مراکز و تقویت ساختار و ظرفیت‌های آن‌ها لازم است، لیکن افراط در آن نظارت‌ها می‌تواند روند دولتی و بلکه حکومتی‌سازی مساجد را تقویت کند و هویت مردمی آن‌ها را تحت‌الشعاع تصمیمات و اقدامات مقامات و نهادهای رسمی، قرار دهد. این پدیده در درازمدت و به‌ویژه با ایجاد انحصار فکری - تبلیغی در مساجد و گزینش هدفمند عوامل درونی آن می‌تواند به مسجدگریزی، دامن زدن و آثار اجتماعی - فکری این نهاد مهم جامعه اسلامی را کم‌رنگ کند یا از بین ببرد. با لحاظ ترکیب و اختیارات نهادهای حکومتی و دولتی مربوطه، مدیریت انحصاری مساجد در ایران در ساخت، اداره و فعالیت آن‌ها به پدیده‌ای انکارناپذیر، تبدیل شده است که با دین‌گریزی جوانان، ارتباط روشنی دارد.

۱. اداره‌کنندگان مساجد

اعضای هیئت‌امنا و امام جماعت و خادم یا خادمان مساجد در زمره اداره‌کنندگان مساجد به شمار می‌روند.

۱-۱. هیئت‌امنا

در ضوابط جاری، مؤسسان و اعضای هیئت‌امنا مساجد، علاوه بر امام جماعت و

خادم/خادمان و سایر فعالان مساجد، باید از حیث صلاحیت به تأیید مراجع رسمی برسند. برخی از شروط مهم سیاسی - امنیتی احراز هویت هیئت امنای مساجد عبارت‌اند از: التزام عملی به احکام اسلام و نظام جمهوری اسلامی و اصل ولایت فقیه، فقدان وابستگی به گروه‌ها و سازمان‌های غیرقانونی، نداشتن سوء پیشینه^۱. اعضای هیئت‌امنا، علاوه بر نیاز به تنفیذ امام جماعت منصوب برای آغاز فعالیت در طول حیات خود و به‌ویژه در امور مالی تحت نظارت امام جماعت و مرکز رسیدگی به امور مساجد و سازمان تبلیغات اسلامی، قرار دارد.

هیئت‌امنا، اصلی‌ترین بخش مدیریت متمرکز و شورایی مساجد است که با تأیید صلاحیت اعضا از سوی نهادهای رسمی حاکمیتی^۲ و با تنفیذ امام جماعت - که خود برگزیده آن نهادها است^۳ - پدید می‌آید و زیر نظر امام جماعت، فعالیت می‌کند^۴ و در صورت عبور از خط قرمزهای مقرر، اعضای آن، قابل تغییراند.

درباره هویت هیئت‌امنا و شخصیت آن از حیث امکان طرف دعوی قرار گرفتن یا طرح شکایت علیه دیگران از نظر برخی دادرسان، اعلام شده که: «در صورتی که مسجد دارای اساسنامه باشد، مطابق آن، عمل می‌شود؛ در غیر این صورت، مسجد، موقوفه محسوب و دارای شخصیت حقوقی است و مطابق بند و ماده ۷ آیین‌نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و حدود اختیارات امین یا هیئت‌امنا ایماکن مذهبی و موقوفات مصوب ۱۳۶۵/۰۲/۱۰ هیئت‌وزیران، اگر امین یا هیئت‌امنا ایماکن مسجد از سوی اداره حج و اوقاف و امور خیریه، تعیین شده باشد، اختیار طرح دعوا و دفاع از حقوق ایماکن مذهبی چون مسجد و تعقیب دعاوی طرح‌شده له و علیه آن‌ها و نیز اختیار انتخاب و کیل برای انجام امور مربوط به مسجد را دارند. اگر امین یک نفر باشد، به صورت انفرادی و اگر هیئت‌امنا باشد، به استناد ماده ۴ آیین‌نامه مذکور، مسئولیت مشترک دارند و مطابق مقررات مذکور، تصمیمات هیئت‌امنا با اکثریت آرا اتخاذ می‌شود؛ اما اجرای مصوبات هیئت‌امنا با رئیس آن هیئت است که می‌تواند اقدام به طرح دعوا یا دفاع یا انتخاب و کیل بر اساس مصوبات هیئت نماید و بر اساس مصوبه

۱. اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد مصوب ۱۳۶۸/۷/۳۰.

۲. حسب اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد: «مرکز پس از بررسی‌های لازم، آنان را به مدت دو سال به عضویت هیئت‌امنا ایماکن مسجد منصوب می‌نماید. در صورتی که مساجد دارای موقوفات باشند، پس از تعیین صلاحیت به تشخیص مرکز به سازمان اوقاف و امور خیریه، معرفی می‌شوند تا حکم لازم برای نظارت بر موقوفات را نیز دریافت دارند.»

۳. همان، تبصره بند ۳

۴. همان، تبصره بند ۵

مجلس شورای اسلامی با عنوان «وظایف و اختیارات هیئت‌امنا مساجد» مصوب سال ۹۴^۱: در صورت داشتن امام جماعت ثابت برای مسجد، مدیر امور مسجد و رئیس هیئت‌امنا مساجد است^۲. در آن مقررات^۳، حدود اختیارات هیئت‌امنا قید شده است. ^۴ از نظر رویه قضایی نیز، مساجد، رقبه موقوفه است و موقوفات نیز دارای شخصیت حقوقی‌اند؛ لذا مستقیماً باید طرف دعوا قرار گیرند.^۵

۱-۲. امام جماعت

هیئت‌امنا و امام جماعت به‌طور مشترک در اداره امور اداری و عمرانی و مالی مساجد، مؤثرند. با این حال، نظارت استصوابی امام جماعت در انجام آن امور در ضوابط جاری به روشنی بیان شده است: از یک‌سو، «بودجه سالانه مسجد به تصویب هیئت‌امنا مساجد و به تأیید امام مسجد می‌رسد»^۶ و باید «حساب بانکی در یکی از بانک‌های معتبر به نام مسجد با امضای امام مسجد و یکی از اعضای هیئت‌امنا و مسئول امور مالی مسجد، افتتاح و کلیه منابع مالی مسجد به حساب مذکور، واریز شود»^۷ و «برداشت از حساب بانکی با امضای ثابت امام جماعت، مهر مسجد و یکی از صاحبان امضا، مجاز است»^۸. علاوه بر آن: «قراردادها و اوراق بهادار مسجد با امضای امام مسجد و مهر مسجد و یکی از اعضای هیئت‌امنا یا مسئول امور مالی، معتبر خواهد بود»^۹. «تعیین صاحبان امضای حساب‌های بانکی، از اختیارات امام مسجد است»^{۱۰} و «افتتاح و بستن حساب‌ها در بانک‌ها با رعایت مقررات به پیشنهاد مسئول امور مالی و تأیید امام جماعت خواهد بود»^{۱۱}. «مسئول امور مالی مسجد، موظف است بیلان و گزارش مالی را در دوره‌های ماهانه، سه‌ماهه، شش‌ماهه و سالیانه تهیه و به امام جماعت و هیئت‌امنا مساجد، تسلیم نماید. گزارش مالی سالانه مسجد... به هیئت‌امنا و امام

۱. ماده ۱۴ همان

۲. ماده ۱۳ همان

۳. بند خ ماده ۱۴ همان

۴. مرکز آموزش قوه قضائیه؛ به نقل از:

۵. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۰۵۲۴ مورخ ۱۳۹۴/۵/۴ شعبه ۲۱۱ حقوقی بدوی تهران

۶. همان، فصل دوم ماده ۴

۷. همان، فصل دوم ماده ۵

۸. همان

۹. همان، ماده ۶ فصل دوم

۱۰. همان، تبصره ۱

۱۱. همان، تبصره ۳

مسجد، عرضه و تصویب می‌شود»^۱.

در مراکز نظامی و مؤسسات وابسته به نیروهای مسلح سه‌گانه (ارتش،^۲ سپاه پاسداران^۳ و نیروی انتظامی^۴) و نهادهای فرعی آن‌ها (شامل پادگان‌های نظامی، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و مؤسسات رفاهی و اجتماعی مرتبط)، نمایندگان ولی فقیه، حضور دارند که بر اساس ضوابط جاری، علاوه بر وظایف و اختیارات ویژه در آن نیروها، نظارت بر فعالیت‌های دینی و مذهبی و مدیریت آن فعالیت‌ها از جمله در مساجد مرتبط را بر عهده دارند.

مساجد یا به تعبیر بهتر، «نمازخانه‌های» مستقر در دستگاه‌های دولتی نیز، زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی و بسیج متبوع آن دستگاه و به‌ویژه در دستگاه‌های دولتی مشمول عنوان «نهادهای انقلابی»^۵ مانند وزارت جهاد کشاورزی، سازمان امور ایثارگران، کمیته امداد امام خمینی و... زیر نظر نمایندگی ولی فقیه در آن نهادها اداره می‌شوند و فعالیت می‌کنند.

درباره مساجد مستقر در تمام دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور - به‌مثابه مصداقی ویژه از عنوان دستگاه‌های دولتی - صرف‌نظر از اشراف نهادهای فرهنگی برون‌دانشگاهی و نیز نقش مدیریتی متمرکز شورای فرهنگی دانشگاه در این باره، دفاتر نمایندگی مقام رهبری در هر دانشگاه، نقش مؤثری، ایفا می‌کنند. بر اساس ضوابط جاری، اهداف کلی استقرار آن دفاتر در دانشگاه‌ها عبارت‌اند از: «ایجاد ارتباط نزدیک میان استادان و دانشجویان دانشگاه‌ها با علمای دینی و حوزه‌های علمیه، هدایت دانشگاه‌ها در جهت تعالیم معنوی و اخلاق اسلامی، حل مسائل اعتقادی دانشجویان، کوشش برای تحقق و روشن کردن تعالیم اصیل اسلامی و جلوه‌گر کردن ارزش‌های والای اسلام ناب محمدی (ص)، جلوگیری از کج‌اندیشی‌ها و کج‌روی‌ها در مسائل

۱. همان، ماده ۱۰ فصل دوم

۲. ماده ۱۴ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۱۷ با اصلاحات بعدی: «سازمان عقیدتی سیاسی سازمانی است با سلسله‌مراتب مستقل و متمرکز که مأموریت و وظایف زیر را بر عهده دارد: ۱. مأموریت: رشد و گسترش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی در ارتش و وزارت دفاع و سازمان‌های وابسته به آن‌ها براساس معیارها و ضوابط اسلامی و تدابیر و رهنمودها و دستورالعمل‌های مقام رهبری؛ ۲. وظایف: الف) آموزش عقیدتی و سیاسی پرسنل جهت رشد مذهبی و سیاسی آنان...».

۳. قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ با اصلاحات بعدی.

۴. قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰.

۵. براساس تبصره ۲ لایحه قانونی عدم شمول مقررات قانون کار درباره کارکنان نهادهای انقلابی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۳: «نهادهای انقلابی به ارگان‌هایی اطلاق می‌گردد که بنا به نیاز دوران بعد از انقلاب اسلامی ایران (۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷) به بعد با تصویب مراجع قانون‌گذاری به وجود آمده است.»

دینی و امور اسلامی، ایجاد وحدت میان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها^۱. «اعزام مبلغ و امام جماعت برای واحدهای مختلف دانشگاه‌ها»^۲، نیز در زمره وظایف آن دفاتر، اعلام شده است.

مصلاهای نماز جمعه به‌عنوان مساجد بزرگ‌تر، مهم‌تر و دارای کار ویژه‌های سیاسی- اجتماعی بیشتر نیز، موضوع مدیریت امامان جمعه به‌مثابه نمایندگان مقام رهبری در استان‌ها و شهرستان‌های مختلف‌اند که در عالی‌ترین سطح از سوی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه^۳، برگزیده و در صورت اقتضاء، برکنار می‌شوند و فعالیت‌های آن‌ها، همواره مدیریت می‌شود. در برخی شهرهای مذهبی مهم، کار ویژه‌های نمایندگان ولی فقیه در قالب مدیریت حرم‌های متبرکه نیز به عمل می‌آید.^۴

۱- ۳. خادم یا خادم‌ان مساجد

قانون کار ۱۳۶۹ با اعلام نسخ صریح قوانین پیشین^۵، ضمن تأکید بر شمول خود بر تمام روابط میان کارگران و کارفرمایان در چارچوب قرارداد کار^۶، مقرر کرده است که: «کارگاه‌های کوچک کمتر از ده نفر را می‌توان برحسب مصلحت موقتاً از شمول بعضی از مقررات این قانون، مستثنا نمود. تشخیص مصلحت و موارد استثنا به‌موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید»^۷.

بر اساس این مجوز قانون‌گذار، هیئت‌وزیران با تصویب آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوب ۱۳۷۳ خدامان آن مراکز دینی و از جمله مساجد را از شمول برخی از مقررات مهم قانون کار، خارج کرد و روابط کار بین طرفین در زمینه مواد مستثنا شده را مشمول دستورالعملی دانست که سازمان اوقاف و امور

۱. بندهای ۱ تا ۷ ماده ۱ اساسنامه شورای نمایندگان رهبر معظم انقلاب و دفاتر آن‌ها در دانشگاه‌ها مصوب ۱۳۶۹/۴/۱۹ با اصلاحات بعدی

۲. همان، بند ۲ ماده ۲.

۳. این شورا برای مدیریت اقامه نماز جمعه، نصب و عزل امامان جمعه و... در سال ۱۳۷۲. بر فرمان رهبر جمهوری اسلامی، تشکیل شده است.

۴. مانند مشهد و شیراز که به ترتیب، از حرم رضوی و شاهچراغ به مثابه مصلی، استفاده می‌شوند.

۵. همان، ماده ۲۰۰.

۶. همان، ماده ۱.

۷. همان، ماده ۱۹۱.

خیریه، تهیه می‌کند و به تصویب نماینده ولی فقیه در سازمان می‌رساند.^۱ موارد استثنا در آن آیین‌نامه نیز شامل مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۵۱ و ۵۸ قانون کار تعیین شده است^۲ و آن معافیت فقط اماکن مذهبی را در برمی‌گیرد که سه نفر یا کمتر خادم دارند^۳. مفاد آن آیین‌نامه در سال‌های بعدی نیز، تنفیذ و تصویب شده است.

این معافیت صرفاً اماکن مذهبی دارای سه نفر خادم یا کمتر را در برمی‌گیرد؛ از این رو، در مساجدی که شمار خادمان از سه نفر فراتر رود، استناد به این ماده و به تبع آن، آیین‌نامه مصوب دولت برای عدم شمول قانون کار بر آنان، موجه نیست. البته این معافیت، مطلق نیست و دولت صرفاً می‌تواند خادمان مراکز دینی و از جمله مساجد را از شمول برخی از مقررات قانون کار و نه همه آن‌ها مستثنا کند. از این رو، چنانچه در عمل بر عدم شمول همه مقررات قانون کار بر خادمان طرف قرارداد با هیئت‌امناي مساجد، تصریح شود، از قدر متیقن استثنای قانونی و نیز مفاد آیین‌نامه مرتبط، عدول شده و فاقد وجاهت است.

رویه قضایی، تعرض به کلیت آیین‌نامه مستثنا شدن... را به سبب مغایرت با تشریفات مقرر در قانون اساسی و قانون کار، رد کرد و در نتیجه، آن آیین‌نامه را موافق قانون دانست و در نهایت، دعوی مطرح شده را رد کرد.^۴ علاوه بر آن در اجرای آیین‌نامه مزبور، دستورالعمل ماده ۴ آن به تصویب رسید که بر اساس ماده ۲ آن، مقرر شد: «در صورتی که کارفرما قصور و یا تخلفی از ناحیه کارگر، مشاهده کند، حق دارد به خدمت او، خاتمه دهد و در این صورت، کارگر حق مطالبه هرگونه وجهی را از خود، اسقاط و سلب می‌نماید».^۵ آن ماده به دلیل مغایرت با قانون در دیوان عدالت اداری، مورد شکایت قرار گرفت و در نهایت، مقرر شد:

اولاً: بر اساس ماده ۱ آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ هیئت‌وزیران و اصلاحی مورخ ۱۳۸۹/۸/۱۱

۱. ماده ۴ آیین‌نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار ۱۳۷۳

۲. همان، ماده ۱

۳. همان، ماده ۳

۴. دادنامه شماره ۷۳۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

۵. بند ۲ دستورالعمل موضوع ماده ۴ آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه از بعضی از مواد قانون کار مصوب نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف و امور خیریه.

که در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۲۶ اعتبار آن به مدت پنج سال تمدید شده، به استثنا شدن مشمولین آیین‌نامه فوق از احکام مقرر در مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۵۱ و ۵۸ قانون کار، تصریح شده و لذا، افراد مذکور، مشمول سایر مقررات قانون کار هستند. ثانیاً: بر مبنای مواد ۲، ۳، ۷ و ۲۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹: «کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق‌السعی، اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می‌کند» و «کارفرما شخصی است حقیقی یا حقوقی که کارگر به درخواست و به حساب او در مقابل دریافت حق‌السعی کار می‌کند» و «قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق‌السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد» و «در پایان کار، کلیه مطالباتی که ناشی از قرارداد کار و مربوط به دوره اشتغال کارگر در موارد فوق است، به کارگر و در صورت فوت او، به وارث قانونی وی پرداخت خواهد شد.» بنا به مراتب فوق، خدام و کارکنان... مساجد... مشمول احکام مقرر در مواد ۲، ۳، ۷ و ۲۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۹ هستند و بر اساس مواد قانونی مذکور، انجام کار در مقابل مزد، انجام می‌گیرد و حقوق متعلقه به کارگر، بعد از انجام کار، حقی است که برای وی، مستقر می‌شود و عدم پرداخت آن از ناحیه کارفرما مجوز قانونی ندارد. در نتیجه، ماده ۲ دستورالعمل موضوع ماده ۴ آیین‌نامه مستثنا شدن... که بر اساس آن، مقرر شده است: «کارگر حق مطالبه هرگونه وجهی را از خود، اسقاط و سلب می‌کند»، از جهت آن که کارگر، مستحق کلیه مطالبات ناشی از قرارداد کار و مطالبات مربوط به دوره اشتغال خود است، خارج از حدود اختیار بوده و با مواد ۲، ۳، ۷ و ۲۲ قانون کار جمهوری اسلامی ایران مغایرت دارد و... ابطال می‌شود»^۱.

در مجموع با تأکید بر دفاع‌پذیر بودن سیاست تجویز اقدام دولت به مستثنا کردن کارگاه‌های زیر ده نفر از شمول برخی مقررات قانون کار، شفاف‌سازی روابط کاری خادمان مساجد به توسعه بیشتر عدالت در این عرصه و پیشگیری از اختلافات می‌انجامد و کارآمدی آنان را افزایش می‌دهد؛ زیرا احتمال نقض قواعد آمره مندرج در قانون کار، محتمل است که به زیان خادم یا خادمان مساجد بوده و نهایتاً به اخلال در اداره مساجد می‌انجامد.

۲. نهادهای رسمی ناظر بر مساجد

از پایان دهه شصت خورشیدی به بعد به تدریج، مجموعه‌ای از نهادهای رسمی دولتی و حکومتی برای مدیریت و نظارت بر کارکردهای مساجد پدید آمده‌اند که در ادامه، بیان می‌شوند:

۲-۱. مرکز رسیدگی به امور مساجد

مرکز رسیدگی به امور مساجد به‌مثابه نهادی حاکمیتی برآمده بر اساس فرمان مقام رهبری در ۱۳۶۸ برای مدیریت فعالیت‌های مساجد و به‌ویژه نصب و عزل امامان جماعت، نقشی مؤثر دارد. در عمل، ادعا شده که: «بر اساس استفتائات انجام شده از سوی مقام رهبری، عزل و نصب ائمه جماعات مساجد با امام جمعه به عنوان مدیر مرکز رسیدگی به امور مساجد و ریاست شورای تبلیغ شهرستان است»^۱. این ادعا هیچ‌گونه مستند قانونی ندارد و ردّ پایی از هرگونه استفتا در این باره نیز به چشم نمی‌خورد.

«عرضه‌الگوهای مناسب برای ساخت، تجهیز و اداره مساجد»^۲ و «بهبودی و مرمت فضای کالبدی و تجهیز مساجد نمونه»^۳ در زمره کار ویژه‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد است. از نظر ضوابط جاری، مرکز یادشده به‌مثابه «مرجعی مقبول، آگاه و نافذالکلمه در امر مساجد است و با هدف کمک به کارایی و شکوفایی هرچه بیشتر این پایگاه‌های انقلاب و اسلام، حفظ قداست، سلامت و امنیت و تقویت هماهنگی جنبه‌های معنوی، انقلابی، تعلیمی، تبلیغی و هنری مرتبط تشکیل شده که ائمه جماعات و سایر مسئولان مسجد را منصوب و بر عملکرد آن‌ها نظارت و عنداللزوم از آن‌ها حمایت خواهد کرد؛ همچنین عهده‌دار حمایت اثربخش و متولی نظارت بر برنامه‌های مساجد و مجری هماهنگی‌های ستادی بین نهادهای مرتبط با امر مسجد و ناظر بر گزارش‌های مالی و نحوه درآمد و هزینه مساجد خواهد بود»^۴. «تدوین چشم‌انداز، راهبردها و مأموریت‌های مساجد، با توجه به منویات امام (ره) و مقام معظم رهبری، اسناد اعضای هیئت‌امنای مساجد و رسیدگی به تخلفات و جرائم کارکنان مساجد»^۵ و «حمایت‌های معنوی و حقوقی از ائمه مساجد و افراد تحت تکفل ایشان، هیئت‌امنا و

۱. خبرگزاری بسیج، مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۱

۲. بند ۱ ماده ۷ اساسنامه مرکز رسیدگی به امور مساجد

۳. همان، بند ۱۶ ماده ۱۲

۴. همان، ماده ۵

۵. همان، ماده ۱۱

خدام»^۱ و «عزل و نصب فعالان مسجد با معرفی امام مسجد»^۲ نیز از جمله اختیارات واحد حقوقی و بازرسی آن مرکز، اعلام شده است.

از حیث مالی نیز، معاون توسعه منابع آن مرکز «تأکید بر اجرای امور مالی با تأیید ائمه مساجد و تحت نظارت جدی و اثربخش ایشان»^۳ و «اجرای آیین‌نامه مالی و معاملاتی و آیین‌نامه حسابرسی و ممیزی مالی مساجد»^۴ را بر عهده دارد.

برخی مصوبات مجلس شورای اسلامی، دایر بر ارجاع اداره مساجد به سازمان اوقاف و امور خیریه - به‌مثابه نهاد وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - با مخالفت شورای نگهبان، مواجه شده و احتمالاً با لحاظ فرمان رهبر معظم انقلاب در خصوص ایجاد مرکز رسیدگی به امور مساجد، خلاف اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی شمرده شده و درنهایت، منتفی شده است. بر اساس مواد ۲ و ۳ آن طرح در سازمان اوقاف با نام جدید «سازمان اوقاف، مساجد و امور خیریه»، معاونت امور مساجد کشور، تأسیس می‌شد که البته در تعیین امام جماعت و انجام فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی مسجد، دخالتی نداشت. حسب تبصره ماده ۱۲ آن طرح نیز، امام جماعت مدیر امور مسجد و رئیس هیئت‌امنای آن است. ماده ۱۴ آن طرح به فهرست وظایف و اختیارات هیئت‌امنا پرداخته بود که از جمله «طرح دعوی و دفاع از حقوق مسجد و تعقیب دعاوی مربوط به آن و در صورت لزوم، انتخاب و کیل برای انجام امور مذکور» را در برمی‌گرفت. البته پیش‌تر نیز، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آن طرح را به دلیل «ایجاد فضایی برای مداخله بیش‌ازحد نهادهای دولتی در مساجد»، رد کرده بود.

مرکز رسیدگی به امور مساجد، حکومتی‌ترین و عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری مساجد است و نمایندگان مردم و نهادهای مدنی، کمترین حضوری در آن ندارند. این امر می‌تواند فرضیه حکومتی‌سازی آن مراکز را تأیید و تقویت کند؛ امری که به تضعیف کارکرد آن انجامیده است.

۲-۲. ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور

اعضای ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور به پیشنهاد رئیس دستگاه و با حکم رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مدت چهار سال، منصوب شده و

۱. همان، بند ۴ ماده ۱۲

۲. همان، بند ۶ ماده ۱۲

۳. همان، بند ۷ ماده ۱۲

۴. همان، بند ۱۲ ماده ۱۲

عبارت‌اند از: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ وزارت کشور؛ وزارت مسکن و شهرسازی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ سازمان تبلیغات اسلامی؛ سازمان اوقاف و امور خیریه؛ سازمان صداوسیما؛ سازمان میراث فرهنگی و گردشگری؛ مرکز رسیدگی به امور مساجد؛ شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه؛ ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر؛ نیروی مقاومت شهرداری تهران؛ سه نفر از ائمه جماعات صاحب‌نظر در مسائل فرهنگی به پیشنهاد سازمان تبلیغات اسلامی^۱.

ازجمله اختیارات آن ستاد عبارت است از: «هماهنگ‌سازی فعالیت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور و برنامه‌ریزی به منظور استفاده مناسب از امکانات و توانمندی آن‌ها در تقویت بنیه مساجد کشور، ارائه پیشنهادها راهبردی و برنامه‌ریزی مناسب به منظور رفع مشکلات اساسی مساجد در مکان‌یابی، ساخت‌وساز، توسعه و تعمیر، نوسازی، بهداشت و تجهیز امکانات و فناوری‌های روز از طریق تدوین طرح‌ها، لوایح و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط، تلاش برای تثبیت موقعیت حقوقی مساجد، متولیان، هیئت‌امنا، ائمه جماعات، خادمین و دست‌اندرکاران امور مساجد، تدوین راهکارهای مناسب برای بهسازی و نگهداری مساجد»^۲.

عدم حضور نمایندگان مردم و نهادهای مدنی در این مرجع نیز به چشم می‌خورد و از این رو، ترکیب آن، حکومتی و دولتی است. اگرچه حضور آن مقامات از منظر واقعیت، اجتناب‌ناپذیر است ولی منحصر کردن ترکیب آن مرجع به اشخاص و مقامات حکومتی و دولتی، قابل نقد است.

۲-۳. شورای هیئات مذهبی

هیئت‌های مذهبی از حیث تأسیس، اعضای تشکیل‌دهنده، سمت‌وسو، فعالیت‌ها و هویت مداحان آن‌ها از سوی مقامات و نهادهای حکومتی، مدیریت می‌شوند. برای نمونه، حسب اساسنامه شورای هیئات مذهبی، ازجمله مأموریت‌های آن شورا «نظارت مستمر بر فعالیت‌های هیئات مذهبی»، «بازرسی‌های مستمر از هیئات مذهبی در طول سال به‌ویژه در ایام محرم و صفر»، «رسیدگی به اختلافات پیش‌آمده میان هیئات مذهبی» و «رصد اولویت‌های فرهنگی، آسیب‌ها و مشکلات پیش روی هیئات مذهبی با عنایت ویژه به رهنمودهای مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید»، اعلام شده

است.^۱ شورای مرکزی هیئات، به‌مثابهٔ عالی‌ترین سطح از نظارت بر آن‌ها، از اختیاراتی مانند «تأیید و ابلاغ اساسنامهٔ تشکیل شورای هیئات مذهبی، تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی فرهنگی کشور در موضوع هیئات مذهبی، صدور حکم رئیس منتخب شورای مرکزی، تأیید یا رد انحلال شورای هیئات مرکزی در سراسر کشور، نظارت عالی بر عملکرد شورای هیئات مذهبی کشور» برخوردار است.^۲

علاوه بر آن، ارکان شورا در سطوح شهرستانی و استانی رئیس شورا (نمایندهٔ سازمان) و اعضای شورا هستند و در سطح مرکزی به جای نمایندهٔ سازمان، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی است.^۳ آن سازمان، مسئولیت و سازمان‌دهی هیئت‌های مذهبی را بر عهده دارد.^۴

به نظر می‌رسد که حساسیت قدرت حاکم بر سمت و سوی هیئت‌های مذهبی و محتوای تولیدات، گرایش‌ها و مداحی‌ها باعث شده که آن هیئات از حیث تشکیل و کارکرد به‌شدت مورد کنترل باشند؛ امری که آن‌ها را موضوع کنترل قدرت و گاهی ابزار آن کرده است. این روند می‌تواند به دین‌گریزی روزافزون جوانان، دامن زند.

۲-۴. کانون مداحان

به‌منظور سامان‌دهی مداحان مساجد، کانون مداحان زیر نظر نهادهای حاکمیتی، از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، پدید آمده است. حسب اساسنامهٔ این کانون که به تصویب معاونت امور فرهنگی و تبلیغ اداره کل تشکل‌های دینی و مراکز فرهنگی آن سازمان رسیده است.^۵ این کانون در سه سطح شهرستانی، استانی و مرکزی، فعالیت می‌کند.

وظایف و اختیارات رئیس آن سازمان دربارهٔ آن کانون در سطح کشوری (مرکزی) «تأیید و ابلاغ اساسنامهٔ کانون مداحان، تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی فرهنگی کشور در موضوع مداحان، دستور صدور حکم رئیس منتخب کانون مرکزی به معاون امور فرهنگی و تبلیغ، پذیرش یا رد پیشنهاد معاونت امور فرهنگی در خصوص انحلال کانون مداحان در سراسر کشور، نظارت عالی بر عملکرد کانون‌های مداحان کشور با انتصاب نمایندگان بدین منظور»^۶، اعلام شده و نظارت عالی بر آن‌ها در سطوح استان

۱. بندهای ۳، ۴، ۵ و ۶ اساسنامهٔ شورای هیئات مذهبی

۲. همان، بند ۱ قسمت ج

۳. همان، فصل دوم

۴. بند ۱۶ مادهٔ ۶ اساسنامهٔ سازمان تبلیغات اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۵

۵. اساسنامهٔ کانون مداحان مصوب ۱۳۸۸.

۶. همان، مادهٔ ۱۶

و شهرستان نیز با «مدیرکل تبلیغات اسلامی استان یا نماینده وی» است.^۱ انتقاد وارده بر کنترل هیئات مذهبی در مورد مداحان نیز تا حد زیادی، صادق است و ظرفیت‌های مداحان در حمایت از قدرت حاکم و مقابله با مخالفان آن را نشان می‌دهد. این سطح از کنترل در غیاب نمایندگان مردمی و صرفاً از طریق نمایندگان حکومت می‌تواند روند دین‌گریزی را به مراتب، افزایش دهد.

۲-۵. ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور

اصولاً سازمان تبلیغات اسلامی عهده‌دار «کمک به تأسیس، توسعه و تجهیز کتابخانه‌های مساجد، حسینیه‌ها، مدارس و مراکز آموزش عالی، تحقیقاتی و نیز مراکز اسلامی و فرهنگی در راستای توسعه تبلیغات اسلامی در آن‌ها»^۲ و نیز «صدور مجوز تأسیس و سامان‌دهی کانون‌های فرهنگی تبلیغی، کانون‌های قرآنی، تشکل‌های مذهبی» است.^۳

فارغ از آن، ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور^۴، مرکب از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس شورا)، وزیر آموزش و پرورش یا معاون ذی‌ربط، وزیر ورزش و جوانان یا معاون ذی‌ربط، شهردار تهران یا معاون ذی‌ربط، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی، نماینده مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، یک نفر صاحب‌نظر به پیشنهاد مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور و دو نفر شخص حقیقی صاحب‌نظر به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با تصویب شورای معین شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

اهداف آن ستاد عبارت‌اند از: احیای نقش واقعی فرهنگی، آموزشی، هنری و تبلیغی مساجد؛ تربیت و رشد نیروهای متعهد و انقلابی و کارآمد در حوزه فرهنگ و هنر؛ توسعه فرهنگ اصیل اسلامی در شهرها و روستاهای کشور؛ مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان^۵. وظایف آن عبارت‌اند از: «برنامه‌ریزی، نظارت، هماهنگی، انسجام و تقویت امور کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد؛ سامان‌دهی و کمک به راه‌اندازی و تجهیز کانون‌های فرهنگی و هنری و کتابخانه‌های مساجد؛ به‌روزرسانی بانک اطلاعات

۱. همان، ماده ۲۲

۲. بند ۱۵ ماده ۶ اساسنامه سازمان تبلیغات اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۵

۳. بند ۱۶ ماده ۵ همان.

۴. مصوب جلسه ۸۰۷ مورخ ۱۳۹۷/۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی

۵. بندهای ۱ تا ۴ ماده ۲ اساسنامه ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور مصوب ۱۳۹۷/۲/۱۸

کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد؛ کمک به تولید و عرضه محصولات فرهنگی و دینی؛ کمک به راه‌اندازی و توسعه پایگاه‌های فرهنگی رقومی (دیجیتال) در حوزه فعالیت مساجد برای استفاده بهینه از فرصت‌ها و مقابله با تهاجم فرهنگی؛ شناسایی، جذب، آموزش و حمایت از استعدادهای برتر و نخبگان کانون‌ها و کتابخانه‌های مساجد؛ تلاش در جهت تخصصی شدن کانون‌ها و کتابخانه‌های مساجد»^۱.

حسب آن مقررات، «مساجد هویت مستقل داشته و تحت نظر ائمه جماعت، اداره می‌شوند و مدیرمسئول کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد برای ارائه خدمات فرهنگی، آموزشی، هنری و تبلیغی توسط امام جماعت، پیشنهاد می‌شود»^۲.

به‌منظور مدیریت هماهنگ آن کانون‌ها در هر استان نیز، شورای هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان از اشخاص و مقامات زیر، تشکیل شده است: نماینده ولی فقیه (رئیس)، استاندار (نایب‌رئیس)، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی استان، شهردار مرکز استان، فرمانده بسیج استان، مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی (دبیر شورا)، دبیر ستاد استان و نماینده مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه استان.^۳

علاوه بر آن، بر اساس ضوابط جاری^۴: «امام جماعت و رئیس هیئت امنای مسجد می‌توانند درخواست تأسیس کانون فرهنگی و هنری مسجد را ارائه کنند»^۵. هیئت مؤسس هر کانون متشکل از امام جماعت، یک نفر از هیئت امنای، فرمانده پایگاه بسیج مسجد، دو نفر ذی‌صلاح فرهنگی و هنری به انتخاب امام جماعت مسجد خواهد بود^۶. التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه^۷ در زمره شروط لازم برای اعضای هیئت مؤسس است. تأیید امام جماعت برای مدیرمسئول کانون لازم است^۸. همچنین، تصریح شده که: «اعضای هیئت مؤسس و مدیرمسئول بایستی معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی، قانون اساسی و ولایت فقیه بوده و کانون به احزاب و جریانات

۱. همان، ماده ۳

۲. همان، تبصره ماده ۳

۳. همان، بندهای ۱ تا ۹ ماده ۱۱

۴. دستورالعمل صدور مجوز تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد مصوب ۱۴۰۰/۲/۱۳ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

۵. همان، بند ۱-۶

۶. همان، بند ۳-۲

۷. همان، قسمت ب بند ۱-۴

۸. همان، قسمت «و»

سیاسی، وابستگی نداشته باشد»^۱.

باملاحظه فلسفه پیدایش آن ستاد؛ یعنی کنترل کارکردها و محتوای تولیدات فرهنگی و هنری مساجد و ترکیب کاملاً حکومتی و دولتی آن، پیش فرض، نوع و سطح تصمیمات آن ستاد، قابل پیش بینی است. از این رو، ستاد یادشده در زمره ابزارهای بنیادین حکومتی و بلکه دولتی سازی مساجد است.

۲-۶. بسیج مساجد

با لحاظ نقش محوری مساجد در پیدایش و پیروزی انقلاب اسلامی (خیری اصل، ۱۳۹۲: ۴۹) صدور انقلاب و مبارزه با گروه‌های مخالف نظام و نیز نقش فعال آن‌ها در سامان‌دهی و اعزام نیرو در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، تأسیس و فعالیت تأثیرگذار واحدهایی از بسیج مستضعفین به مثابه بخش مردمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی^۲ در تمام مساجد کشور و نظارت آن بر جریان کلی امور مذهبی و فرهنگی و هنری تا به امروز، استمرار یافته است.

با وجود کارکردهای انکارناشدنی بسیج مردمی در مدیریت بحران‌های عمومی مانند جنگ هشت‌ساله، سوانح طبیعی و ... به دلیل تعلق سازمانی آن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مثابه یک نیروی حکومتی نظامی و مسلح، حضور و نظارت آن بر مساجد می‌تواند روند امور را به شدت، سازگار با انگاره‌های قدرت سازد و از تنوع سلیقه‌ها در ساخت مساجد و انجام فعالیت‌های اجتماعی و دینی در آن، جلوگیری کند.

۲-۷. شورای راهبری مرکزی مشاوره حقوقی مساجد

به منظور افزایش نقش اجتماعی مساجد و کاستن از تراکم پرونده‌ها در مراجع قضایی، طرح «هر مسجد یک حقوق‌دان»^۳، اجرا شده که بر اساس آن: «در تمام مؤسسات و مراکز دینی کشور از جمله مساجد»^۴، حقوق‌دانانی حضور یافته و راهکار حقوقی برای نمازگزاران و ذی‌نفعان، مرتبط ارائه می‌کنند. به منظور نظارت بر فعالیت‌های شوراهای استانی و اتخاذ سیاست‌های واحد و متمرکز و تعیین دستورالعمل‌های اجرایی نیز، شورای راهبری مرکزی مشاوره حقوقی مساجد در معاونت فرهنگی قوه قضائیه، ایجاد شده است. این شورا مرکب از معاون فرهنگی قوه قضائیه (رئیس شورا)، مدیرکل فرهنگ حقوقی و قضایی جامعه (دبیر شورا)، نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، معاون فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات

۱. همان، بند ۱۶۸.

۲. قسمت‌های الف، ب و ج ماده ۱۳ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱

۳. دستورالعمل اجرایی طرح «هر مسجد یک حقوق‌دان» مصوب ۱۳۹۸/۷/۷ معاونت فرهنگی قوه قضائیه

۴. همان، بند ۱ ماده ۲

اسلامی، معاون فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریهٔ کشور، رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور، رئیس مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانوادهٔ قوهٔ قضائیه، مسئول سازمان بسیج حقوق‌دانان، رئیس اتحادیهٔ سراسری کانون وکلای دادگستری و رئیس کانون دادگستری مرکز است.^۱

به نظر می‌رسد که تعیین برخی صلاحیت‌های قضایی برای بخش‌های حقوقی نهادهای ناظر؛ مانند واحد حقوقی مرکز رسیدگی به امور مساجد مانند «رسیدگی به اختلافات ائمهٔ مساجد و اعضای هیئت امنای مساجد» و «رسیدگی به تخلفات و جرائم کارکنان مساجد»^۲ با قوانین و مقررات ناظر به صلاحیت‌های ذاتی دادگاه‌ها و سایر مراجع قضایی ویژه، سازگاری ندارد. بهتر است که مقررات ناسازگار با آن قوانین، اصلاح شوند تا نیازی به مداخلهٔ بعدی قضایی در این باره نباشد. در برابر، اختیاراتی مانند «معاضدت قضایی و دفاع از شأن و منزلت مساجد و ائمهٔ مساجد»^۳ در پاسداری از هویت مساجد و اداره‌کنندگان آن، مؤثر است. بدیهی است که اصل تلاش برای حل اختلافات میان مردم و برقراری مصالحه میان آنان به‌ویژه در مساجد، امری مقبول و در راستای ارزش‌های اسلامی و نقش اجتماعی مساجد است.

۳. تحلیل و ارزیابی

چرا مساجد به‌مثابه مهم‌ترین نماد مرکز اجتماعات دینی در زیست اسلامی در ایران به‌طور روزافزون، حکومتی و بلکه دولتی شده‌اند. آیا میان روند یاد شده و ضعف پایگاه اجتماعی مساجد، رابطه معناداری برقرار است؟

در پاسخ پرسش‌های بالا از منظر جامعه‌شناسی قدرت می‌توان این‌طور ارزیابی کرد که با لحاظ نقش بسیار مؤثر و غیرقابل انکار مساجد در ایجاد بسترهای اعتراض و جهت‌دهی اعتراضات مردمی در چارچوب مبانی و بایسته‌های اسلامی و شیعی که نهایتاً به شکل‌گیری انقلاب اسلامی و پیروزی آن انجامید، تلاش برای حفظ مدیریت آن مراکز دینی و جلوگیری از دخالت جریان‌های رقیب در پیدایش و مدیریت آن‌ها به روند حکومتی و دولتی سازی اداره آن‌ها انجامیده است.

این دخالت البته چندان کامیاب نبوده است؛ زیرا صرف‌نظر از تشدید دین‌گریزی عموم مردم به‌ویژه جوانان، پیدایش نهادها و سبک‌های دینی نوظهور و متفاوت در

۱. همان، بندهای ۱-۱۱ مادهٔ ۶

۲. بندهای ۵ و ۶ مادهٔ ۱۱ اساسنامهٔ مرکز رسیدگی به امور مساجد

۳. همان، بند ۱۵

کنار رشد سریع فضای مجازی و اقبال عمومی به آن، محوریت مساجد در شکل‌دهی اندیشه‌های دینی - سیاسی و جهت‌دهی به آن را تحت‌الشعاع، قرار داد و به‌شدت، تضعیف کرد.

از نظر نویسنده، روند روزافزون دخالت حکومت و دولت در همه ابعاد زیست شهروندان و به‌ویژه سبک زندگی دینی آنان و تلاش برای تحمیل ایدئولوژی رسمی حاکم در کنار پیدایش و رشد سبک‌های زیست دینی متفاوت یا اقبال نسبی به اندیشه سکولاریسم یا در مواردی رشد زیست استوار بر بی‌دینی در تضعیف جایگاه اجتماعی مساجد، مؤثر بوده است.

استفاده ابزاری از فضا و ظرفیت معنوی مساجد برای تثبیت گردونه قدرت یا برانگیختن عموم مردم به هواداری از نیروهای وابسته به محافل قدرت رسمی در انتخابات مربوط به شوراهای شهر و روستا و مهم‌تر از آن، انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری یا به‌کارگیری مساجد برای توجیه نوع و مبانی سیاست‌گذاری‌های قدرت رسمی و تصمیمات و اقدامات مرتبط با آن را نیز باید در زمره دلایل افول آن جایگاه، ارزیابی کرد که با مبانی جامعه‌شناسی قدرت و ابزارهای مشروعیت آن، رابطه تنگاتنگی دارد.

از حیث راهکار، بازگشت به رسالت عام دین و عاری از برداشت‌های ایدئولوژیک می‌تواند روند دین‌گریزی را تا حدی متوقف سازد تا مساجد به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی دینی بتواند در پاسخ‌دهی به برخی چالش‌های زیست ایرانی زمانه ما حداقل در حوزه دین و بحران هویت دینی، پاسخ دهد.

علاوه بر آن، به‌موازات تقویت پشتیبانی از تأسیس و ساخت‌وساز و احیای عمرانی مساجد، بایستی تا حد ممکن، اداره امور داخلی آن‌ها را به هیئت‌امناها و جوامع مردمی و محلی واگذاشت تا با انتخاب واقع‌بینانه و آزادانه امام جماعت و خادم فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی و فرهنگی خود را سامان دهند و پیش ببرند. در غیر این صورت، مساجد با اعمال نظارت مستقیم و استصوابی و تعیین سمت‌وسوی فعالیت خود از سوی قدرت حاکم به‌تدریج به ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی و ایدئولوژیک متغیر و عموماً شعاری و ناسازگار با واقعیت‌های جامعه، تبدیل شده و به‌موازات آن، اقبال عمومی به آن‌ها کم‌رنگ خواهد شد.

به‌عنوان یک راهکار حداقلی می‌توان با مشورت با علمای شهرها و مناطق مختلف و به‌ویژه، پررنگ کردن و احیای نقش مراجع تقلید و نهادهای دینی خارج از

نهادهای رسمی در این باره به نصب و عزل امامان جماعت پرداخت. این رویه می‌تواند به فرایند مردمی‌سازی مساجد و به تبع آن، افزایش اقبال و اعتماد عمومی به نقش اجتماعی امامان جماعت و بلکه تقویت کارکرد و هویت مساجد، کمک کند. همچنین، غربال‌گری امامان مساجد از حیث داشتن اطلاعات روزآمد فرهنگی و مذهبی، توانایی برقراری رابطه با مردم به‌ویژه نسل جوان و پاسخ‌گویی به دغدغه‌های ذهنی آنان، برخورداری از سعه‌صدر و پرهیز از مناقشات سیاسی و جناحی در فضای مساجد یا استفاده از ظرفیت و وجهه آن برای ورود به عرصه رقابت‌های سیاسی و جناحی در احیای هویت مساجد، مؤثر است.

از سوی دیگر، در حوزه مدیریت بیرونی مساجد، اختیارات برخی نهادهای ناظر از حیث کارکرد با یکدیگر هم‌پوشانی دارند؛ مرکز رسیدگی به امور مساجد و ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور از حیث ساخت، تجهیز، جایابی و حمایت‌هایی از این دست تا حدی اختیارات موازی دارند. البته این دیدگاه از این منظر به چالش کشیده می‌شود که مرکز یاد شده، رابطه مستقیم‌تری با امور عمرانی مساجد دارد و ستاد مذکور نیز در سطح کلان و بیشتر در حد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و حکومتی در این زمینه، فعال است.

همین برداشت درباره کارکرد ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور و نیز اختیارات سازمانی پایگاه‌های بسیج مستقر در مساجد، وجود دارد و بهتر است که نقش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از یک سو و سازمان بسیج و ستاد هماهنگی از سوی دیگر، شفاف‌تر شود. با لحاظ تعلق سازمانی بسیج به نیروی نظامی رسمی خاص و حاکمیت انگاره‌های رسمی سیاسی بر آن، محدود و ضابطه‌مند کردن حضور آن در مساجد یا ایجاد توازن میان نقش بسیج با سایر نهادهای مردم‌بنیاد می‌تواند تنوع فرهنگی در آن فضا را افزایش دهد و از این رو، از موج مسجدگریزی فزاینده در میان برخی از جوانان بکاهد یا آن روند را متوقف سازد.

فارغ از آن، ساختار و کارکرد نهادهای ناظر بر مساجد از دو منظر، نقدشدنی به نظر می‌رسد: نخست آن که؛ اصولاً در پرتو قاعده حاکمیت قانون^۱، نهادهای عمومی باید بر اساس قانون یا با مجوز صریح قانون‌گذار پدید آیند، ادغام شوند یا از بین بروند؛ در حالی که بیشتر نهادهای ناظر بر مساجد نه بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی بلکه از گروی فرمان مقام رهبری (در مورد مرکز رسیدگی به امور مساجد) یا مصوبات نهادهایی

مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی (در مورد ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور) یا رئیس قوه قضائیه (در مورد شورای راهبری مرکزی مشاوره حقوقی مساجد) یا در پرتو اختیارات سازمان تبلیغات اسلامی (شورای هیئات مذهبی، کانون مداحان) پدید آمده‌اند و البته آن سازمان، خود بر اساس فرمان مقام رهبری، شکل گرفته است. بهتر، آن است که نهادهای عمومی در هر عرصه‌ای از جمله حوزه مساجد، برخاسته از قوانین عام یا خاص و نه فرمان‌ها یا مصوبات شبه‌قانونی باشند تا هم اصل حاکمیت قانون در این باره، مراعات شود و نیز به تبع جایگاه تصویب آن قواعد، اعتبار و ارزش حقوقی آن‌ها در نزد مراجع قضایی و اجرایی، به مراتب بالاتر رود.

دوم آن‌که؛ نمایندگان نهادهای مردم‌بنیاد، شوراهای اسلامی شهر و روستا، مراجع تقلید یا نمایندگان شهر و استان مرتبط در مجلس شورای اسلامی در ترکیب شوراهای کمیسیون‌های مستقر در نهادهای ناظر بر مساجد، حضوری ندارند یا این حضور، آن‌طور که باید و شاید، تعیین‌کننده نیست. در برابر، آن اعضا بیشتر مشتمل بر نمایندگان دولت یا حکومت و به‌ویژه حضور پُررنگ نهادهای نظامی یا شبه‌امنیتی و نمایندگان عالی‌ترین مقام رسمی کشور است. بدیهی است که این حضور، بیشتر نمادی از کنترل قدرت بر این نهاد مهم دینی، تبلیغی و فکری است و در تصویب خط‌مشی‌های حاکم بر تعیین جهت، هدف، نوع و کیفیت تحقق کارکردهای مساجد، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

در مجموع برای اصلاح روند جاری می‌توان به شرح زیر، راهکارهایی ارائه کرد:

از زیبایی کلی از مقررات ناظر به مساجد، آن است که آن مقررات، بیشتر در پی آن بوده‌اند که مساجد را به «ابزار قدرت» و دفاع از بقای آن، تبدیل کنند تا آن‌که از آن‌ها برای کنترل یا اصلاح قدرت در پرتو مبانی دینی یا افکار عمومی، استفاده شود. از این رو، ضمن آن‌که بایستی اصولاً مراجع دینی خارج از قدرت رسمی، نهادهای مدنی و عموم مردم، متولی تدوین و تصویب آن مقررات باشند و یا حداقل نمایندگان از مردم و نهادهای مدنی در تدوین و تصویب آن‌ها دخالت داشته باشند، اصلاح مقررات موجود از منظر تغییر نگاه ابزاری به مساجد از جمله خارج ساختن آن‌ها از ابزارهای تبلیغاتی قدرت، الزامی است.

علاوه بر آن بایستی نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا، نمایندگان نهادهای مدنی، هنرمندان، فرهنگیان، نویسندگان و نمایندگان مراجع تقلید در ترکیب مراجع کلیدی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری

در این باره، حضور داشته باشند تا در کنار بازتاب نگاه قدرت رسمی، مطالبات و نگرشی بخش‌های خارج از قدرت نیز شنیده شود؛ توضیح آن که بایستی نمایندگانی از مجلس شورای اسلامی (به‌ویژه، نمایندگان تهران)، شورای عالی استان‌ها و شورای شهر تهران در ترکیب مرکز رسیدگی به امور مساجد ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور، شورای هیئات مذهبی، کانون مداحان و ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور - به‌عنوان عالی‌ترین مراجع تصمیم‌گیر در حوزه مساجد - حضور داشته باشند و نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا در مراجع یاد شده در سطح استان‌ها و شهرها و روستاهای مربوطه، حضور یابند.

از این رو برای ایفای نقش اجتماعی مساجد، تغییر در ترکیب مراجع مربوطه از طریق افزودن نمایندگان مردم در آن‌ها، تقویت نقش کنترلی، اصلاحی و انتقادی مساجد از طریق انتخاب امامان جماعت و مدیران مردمی، کاهش حضور نمایندگان قدرت رسمی در مراجع سیاست‌گذاری و نظارت بر مساجد، الزامی است.

راهکار دیگر بر هویت‌بخشی حقوقی به مساجد، استوار است. رویه قضایی کشور در شناخت متولی اصلی مساجد به‌منظور تحمیل مسئولیت‌های حقوقی و کیفری بر آن‌ها دچار اختلاف است و به‌طور قطعی، معلوم نیست که از میان مؤسس یا مؤسسان، هیئت‌امنا، امام جماعت، مرکز رسیدگی به امور مساجد، امام‌جمعه شهر مربوطه، اداره تبلیغات اسلامی شهر مربوطه، کانون مداحان و ... چه شخص یا نهادی در برابر مراجع قضایی، مسئولیت کیفری یا حقوقی دارند؟

به نظر می‌رسد در زمان تأسیس، ساخت و یا توسعه فیزیکی و کالبدی مساجد، تحمیل مسئولیت‌های کیفری و حقوقی بر پیمانکار مربوطه، انکارناپذیر است^۱ و اصولاً هیئت‌امنا یا مؤسس یا مؤسسان در مقام کارفرما مسئولیتی ندارند. برخی رویه‌های قضایی بر مسئولیت هیئت‌امنا دلالت دارند^۲. هر چند اجماعی در این باره، وجود ندارد. به‌ویژه در مورد مصلاهای نماز جمعه - به‌مثابه مساجد جامع هر شهر - این مسئله بایستی از حیث قضایی، بررسی و موضع قاطعی از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور در این باره به دادگاه‌ها اعلام شود.

از حیث نظری، تحمیل مسئولیت بر نماینده هیئت‌امنا در زمان فعالیت مساجد، راهگشا است. این نماینده می‌تواند امام جماعت باشد؛ به‌ویژه با این قرینه که حسب

۱. ماده ۱۳ قانون کار

۲. دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۷۰۴۰۵۲۴ مورخ ۱۳۹۴/۵/۴ شعبه ۲۱۱ حقوقی بدوی تهران

مقررات جاری، تأیید صلاحیت اعضای هیئت‌امنا، خادم و سایر مسئولان مساجد و نظارت بر کارکردهای کلی مسجد از جمله هیئت‌ها و مداحان و ... با امام جماعت است. در عمل، چنین رویه‌ای می‌تواند به شانه خالی کردن امامان جماعت از این مسئولیت پیچیده و نهایتاً خالی ماندن مساجد از آنان بیانجامد.

هم‌چنین، اعطای استقلال حقوقی به مساجد با الهام از رویکرد قانون‌گذار در پذیرش استقلال حقوقی بقاع متبرکه موقوفه^۱ در هویت‌بخشی حقوقی به مساجد، مؤثر است؛ چنین رویکردی در مورد مساجد موقوفه شاید با مشکلات حقوقی چندانی روبه‌رو نباشد اما تسری آن به مساجد غیرموقوفه، نیازمند تصریح قانون‌گذار و البته در عمل، دشوار است و احتمالاً با مقاومت نهادهای رسمی، روبه‌رو شود؛ زیرا استقلال حقوقی، مستلزم عدم امکان دخالت مستقیم و استصوابی آن نهادها در امور اداری و مالی و تصمیم‌گیری درونی مساجد و مشتمل بر تملک انحصاری آن‌ها بر اموال، دارایی‌ها و تعهدات خود است.

ناگفته نماند که در یک نگاه واقع‌بینانه و از منظر فلسفه و کارکرد قدرت رسمی، مساجد - به مثابه مصداق مهمی از نهادهای فرهنگی جامعه - را نمی‌توان از نظارت، مستثنا کرد؛ زیرا صرف‌نظر از نقش بنیادین آن‌ها در پیدایش انقلاب اسلامی و تأمین و تقویت انقلاب به‌ویژه، حمایت از آن و تمامیت ارضی کشور در جنگ هشت‌ساله، پیش‌فرض لزوم مقابله با عرفان‌های مجازی و رویکردهای معرفتی غرب‌مدار یا برخی انحرافات در انگاره‌ها و آیین‌های دینی، اقتضا می‌کند که قدرت رسمی بر مدیریت کلی مساجد، نظارت کند اما روند روزافزون حکومتی و دولتی‌سازی این نظارت و سطوح، ابعاد و مراتب آن نظارت را مطلق و بلامنزاع کرده که بایستی به شرح پیش‌گفته، اصلاح شود.

در پایان، آسیب‌شناسی مقررات و ضوابط جاری مربوط به مساجد و اداره‌کنندگان و ناظران رسمی آنان با پیش‌فرض احیای بُعد مردمی و سنتی آن مراکز می‌تواند تا حدی از سرعت روزافزون دولتی‌سازی مساجد بکاهد و آن‌ها را به جرگه نهادهای تأثیرگذار اجتماعی و فرهنگی و عرصه‌ای برای گسترش همدلی و وحدت در کشور برگرداند.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که مساجد نه در زمره واحدهای دولتی و عمومی رسمی و نه جزء فهرست مؤسسات عمومی غیردولتی^۲ و نه مشمول مفهوم بخش خصوصی‌اند.^۳ این

۱. ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲

۲. قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹

۳. در برخی نوشته‌ها تلاش شده که ویژگی‌های سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد) به مساجد، تعمیم یابد؛ رک: صدیقی و فقیه حبیبی، ۱۴۰۰.

برداشت نیز که مساجد «در زمره اشخاص حقوقی نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی‌اند» (صدادقتی، ۱۳۹۲: ۳) چندان دقیق نیست. به نظر می‌رسد آن مراکز، ماهیت مؤسسات عمومی عام‌المنفعه دارند و عوامل آن‌ها نیز در زمره مأموران به خدمت عمومی‌اند که از حیث شروع فعالیت و کارکردهای خود، مشمول نظارت‌های مقامات و نهادهای رسمی دولتی و حکومتی به شمار می‌روند.

از سوی دیگر، در طول تاریخ اسلام، جنبه مردمی بودن مساجد از حیث پیدایش، فعالیت و نظارت بر کار ویژه‌ها و نقش اجتماعی آن برجسته بوده است. باین‌حال در دهه‌های اخیر، به سبب ماهیت اسلامی نظام مستقر و برای اجرای آرمان‌ها و منویات رهبران آن، جلوگیری از انحراف مساجد و نشر افکار ناسازگار با انگاره‌های رسمی، به تدریج، نحوه مدیریت مساجد و به‌ویژه نقش مقام‌ها و نهادهای رسمی در تأسیس و فعالیت و تنظیم کارکردهای آن برای سازگاری و همسویی با خط‌مشی‌های ابلاغی، تغییر یافته است.

علاوه بر آن، اصولاً عبادت آزادانه و فارغ از تعلقات سیاسی، نژادی و... در زمره حق‌های مقرر در اسناد حقوقی جهانی است که البته از پایگاه سکولاریسم بدان پرداخته‌اند اما در اندیشه‌های حقوقی ایران پس‌انقلاب با نفی مبنای لائیسیتیه و سکولاریسم در حوزه آزادی دینی و مذهبی، کوشیده شده که فارغ از عدم جواز تغییر دین از اسلام به ادیان دیگر و به تبع آن، انجام مراسم و مناسک دینی در مراکز و مؤسسات مرتبط، نوعی ایدئولوژی سیاسی به کار گرفته شود که از رهگذر آن، ضمن حفظ و استمرار نگرش و جهت‌دهی ویژه حکومت و دولت، عناصر اداره مساجد شامل اعضای هیئت‌امنا، امام جماعت، خادم یا خادمان، هیئت‌ها، مداحان و فعالان کانون‌های فرهنگی و هنری باید با منویات، سوگیری‌ها، آرمان‌ها و خط‌مشی‌های کلی نهادهای رسمی دولتی و حکومتی همسو و سازگار باشند و حداقل با آن‌ها ناسازگاری عقیدتی و رفتاری نداشته باشند. حضور و اشراف آن نهادها در تأسیس، آغاز به فعالیت، کارکردهای مالی و عمرانی و فرهنگی و مذهبی، نصب و عزل اداره‌کنندگان دیده می‌شود.

با لحاظ مراتب یاد شده، فرایند پرشتاب و چندلایه دولتی و بلکه حکومتی‌سازی مساجد می‌تواند آرمان‌های مربوط به آزادی‌های مذهبی شهروندان مقرر در اسناد جهانی را کم‌رنگ، جلوه دهد و تحت‌الشعاع نظارت استصوابی نمایندگان قدرت رسمی کند و به تدریج، آن آزادی‌ها را محدود یا منحصر به اقلیت جامعه کند.


۱. مأموران به خدمت عمومی جزء مستخدمان رسمی دولت نیستند؛ اما کارکردهای عمومی دارند. مراجع تقلید، حوزه‌های علمیه، امامان جمعه و جماعت، نهادهای مردم‌بنیاد، خیریه‌ها و... در زمره آن مأموران به شمار می‌روند.

به نظر می‌رسد ادعاهایی مانند «بسته بودن درب تعداد ۵۰ هزار مسجد از بین حدود ۷۵ هزار مسجد در کشور» - به فرض واقعی بودن - بازتاب برخی دخالت‌های نابجا در اداره مساجد یا سخت‌گیری در این عرصه است. در مجموع، «حق بر عبادت» به‌مثابه یک حق بشری نبایستی تحت‌الشعاع مدیریت و نظارت چندلایه حکومت و دولت بر تأسیس، ساخت و اداره مساجد و جهت‌دهی به کارکردهای آن‌ها، قرار بگیرد. در عین حال که نظارت‌های متعارف به‌شرط دخالت مؤثر نمایندگانی خارج از حکومت و دولت و منتخب مراجع و نهادهای مردمی می‌تواند این تعامل قدرت با مساجد را متعادل و موجه سازد. در حال حاضر، به دلیل اداره مساجد بر اساس تصمیمات و اقدامات نهادهای وابسته به قدرت و خلاء حضور نمایندگان نهادهای مردمی یا مراجع دینی مستقل، حق یاد شده - آن‌طور که باید و شاید - مورد حمایت قرار نگرفته و راهکارهای ارائه شده در پژوهش حاضر می‌تواند به بازسازی نقش دینی - اجتماعی مساجد بیانجامد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

ORCID

Javad mahmoudi  <https://orcid.org/0000-0001-7254-8049>

منابع و مآخذ

- اساسنامه‌ی سازمان تبلیغات اسلامی مصوب ۱۳۷۸
- اساسنامه‌ی ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور مصوب ۱۳۹۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- اساسنامه‌ی شورای نمایندگان مقام معظم رهبری و دفاتر آن‌ها در دانشگاه‌ها مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی.
- اساسنامه‌ی شورای هیئات مذهبی مصوب ۱۳۹۱.
- اساسنامه‌ی کانون مداحان مصوب ۱۳۸۸.
- اساسنامه‌ی مرکز رسیدگی به امور مساجد مصوب ۱۳۶۸.
- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸.
- اعلامیه‌ی حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰.
- آیین‌نامه‌ی ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- آیین‌نامه‌ی مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوب ۱۳۷۳.
- خبرگزاری بسیج، مورخ ۱۴۰۰، کد خبر: ۹۳۹۶۹۳۴.
- خیری اصل، خیرالله (۱۳۹۲). نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی (به روایت اسناد). تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دادنامه‌ی شماره ۲۹۳۵، مورخ ۱۴۰۰، پرونده شماره ۹۹۰۱۳۰۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
- دادنامه‌ی شماره ۲۴۰۵۲۴۰۲۷۰۴۰۰۹۹۷۰ مورخ ۱۳۹۴ شعبه ۲۱۱ دادگاه حقوقی تهران.
- دستورالعمل اجرایی طرح «هر مسجد یک حقوق‌دان» مصوب ۱۳۹۸ معاونت فرهنگی قوه قضائیه.
- دستورالعمل صدور مجوز تأسیس کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد مصوب ۱۴۰۰ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دستورالعمل موضوع ماده ۴ آیین‌نامه‌ی مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار.
- صدقاتی، کیوان (۱۳۹۲). جایگاه مسجد در نظام حقوقی ایران. روزنامه‌ی حمایت قضایی، شماره ۲۸۹۳.
- صدقاتی، کیوان و فقیه حبیبی، علی (۱۴۰۰). سازمان اداری مسجد و سنجه‌های سمن در نظام حقوقی ایران: تقابل یا تقارن؟ فصلنامه‌ی حقوق عمومی، شماره ۲۳ (۷۳): ۲۵۳-۲۷۷. doi:org/10.22054/qjpl.2021.56993.2527.
- طرح حمایت از مدیریت، احداث، تجهیز و نوسازی مساجد و نمازخانه‌های کشور مصوب ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی.
- قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات ۱۳۶۸.
- قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲.
- قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳.

قانون کار مصوب ۱۳۶۹.

قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با اصلاحات بعدی.

لایحه قانونی عدم شمول مقررات قانون کار درباره کارکنان نهادهای انقلابی مصوب ۱۳۵۹.

میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶.

نظر شورای نگهبان مورخ ۱۳۹۴.

نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۹۲

وبگاه خبری خبر آنلاین، مورخ ۱۴۰۲/۳/۱۱، کد خبر: ۱۷۷۲۹۵۶.

Ali Attari Madani, A. (2018). **How should the Masjid administration be? At:** <https://www.dawateislami.net/magazine/en/qualities-to-possess/masjid-administration>.

Basij News agency, dated 2021, News code: 9396934. [in persian]

Decision No. 2935, dated 2022, file No. 9901304 of the General Board of the Administrative Court of Justice. [in persian]

Decision No. 9409970270400524 dated 2015 Branch 211 of Tehran Legal Court. [in persian]

Declaration of Islamic Human Rights approved in 1990. [in persian]

Expert opinion of Islamic Council Research Center dated 2013. [in persian]

Implementation instructions of the plan "Each mosque, a lawyer" approved on 2009 by the Cultural Vice-Chancellor of the Judiciary. [in persian]

Instructions for Issuing Permits for the Establishment of Cultural and Artistic Centers of Mosques, approved on 2021 by the Minister of Culture and Islamic Guidance. [in persian]

Instructions on the subject of Article 4 of the regulations on the exclusion of the servants and employees of the Blessed Beqaa, mosques, hosseiniyehs, takayas, endowment schools of religious sciences and general non-production endowments from the inclusion of articles of the labor law. [in persian]

International Covenant on Civil and Political Rights approved in 1966. [in persian]

Islamic Republic of Iran Police Force Employment Law approved 2003. [in persian]

Islamic Revolutionary Guard Corps Employment Regulations Law approved on 1391 with subsequent amendments. [in persian]

Javan Arasteh, H. (2014). Masjid and its management: Issues and challenges, International Conference of Masjid, Zakat and Vaghf.

Khabar online news website, dated 2023, News code: 1772956. [in persian]

Khair Asl, K. (2014). The role of the mosque in the victory of the Islamic revolution (according to the Savak documents). Tehran: Cultural and artistic institute and publications of the Islamic Revolution Documentation Center. [in persian]

Labor Law approved in 1990. [in persian]

- Ongaro, E. and Tantardini, M. (2023). Religion and Public Administration, Edward Elgar Publication.
- Regulations of the support and coordination headquarters of the country's mosques, approved by the Supreme Council of the Cultural Revolution on 2005. [in persian]
- Regulations on the exclusion of Servants and employees of Bekaa Mutbarakah, mosques, hosseiniyehs, takayas, religious schools and general non-production endowments from the inclusion of articles of the labor law approved in 1995. [in persian]
- Sadaghati, K. (2014). The position of the mosque in Iran's legal system. Judicial support newspaper, No. 2893. [in persian]
- Sedaghati, K. and Faqih Habibi, A. (2022). The administrative organization of the mosque and the parameters of Seman in Iran's legal system: opposition or symmetry? Public Law Quarterly, No. 23 (73):253-277 doi: org/10.22054/qjpl.2021.56993.2527 [in persian]
- Statute of the Council of Representatives of the Supreme Leader and their offices in universities approved on 1999 with subsequent amendments. [in persian]
- The charter of praiseres Association approved in 2009. [in persian]
- The charter of the center for dealing with the affairs of mosques, approved in 1989. [in persian]
- The Charter of the coordinating headquarters of the cultural and artistic centers of the mosques of the country approved on 2018 by the Supreme Council of the Cultural Revolution. [in persian]
- The Charter of the council of religious bodies approved in 2021. [in persian]
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran approved in 1980 with the amendments of 1990. [in persian]
- The Guardian Council Opinion, dated 2015. [in persian]
- The Law of the Army of the Islamic Republic of Iran approved in 1989 with subsequent amendments. [in persian]
- The law on the list of public non-governmental institutions and institutions approved on 1394. [in persian]
- The legal bill not to include the provisions of the labor law regarding employees of revolutionary institutions approved on 1980. [in persian]
- The plan to support the management, construction, equipping and renovation of mosques and prayer houses in the country approved on 2015 by the Islamic Council. [in persian]
- The statutes of the Islamic Propaganda Organization approved on 1999. [in persian]
- The Universal Declaration of Human Rights adopted in 1948. [in persian]

